

# اکثریت

نشریه هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۱۴ آبان ۱۳۶۳ برابر با ۵ نوامبر ۱۹۸۴  
بها ۴۰ ریال - سال اول - شماره ۳۱

## کلبانگ شب شکن

کلبانگ شگفته هزاران چمنی  
کاینگونه شب ستکشان می شکنی  
با تو همه بنفشه ها می خوانند  
بیدارترین ترانه عصر منی

بر موجی از شور و شغف، خبر برگزاری پیروزمندانه پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، با طنین پرشکوه منتشر شد. برگزاری این پلنوم برای همه فدائیان خلق، برای جنبش کمونیستی و کارگری و برای همه مردم رویداد خجسته ای است. این رویداد، مظهر قدرتمندی سازمان پر افتخار ماست که به رغم سباحتنترین کینه تیزی های دشمنان با گام های استوار به پیش می تازد. همانگونه که در پیام پلنوم کمیته مرکزی به اعضا و هواداران آمده است "برگزاری پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در شرایطی چنین دشوار و پیچیده که سازمان ما آماج تهاجم و توطئه های رنگارنگ رتجاع و امپریالیسم است. تجسم کاملی از چیرگی ما بر تلاشهای اهریمنی دشمنان و شره پرشکوهی از رنج و رزم همیشگی فدائیان خلق و بیانگر عزم دشمن شکن ما در پیمودن راهمان است."

هنگامی که مترجمین کوتاه بین، سرمست

بقیه در صفحه ۲

# اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی درباره تشکیل پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

در مهر ماه ۱۳۶۳ پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) تشکیل گردید و طبق دستور، همه وظایف پیش رو را پیروزمندانه به انجام رسانید. گزارشی جامع حیات سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی سازمان در این پلنوم، توسط رفیق فرخ شکهدار دبیر امور کمیته مرکزی، مشتمل بر موارد زیر به اطلاع پلنوم رسید:

- ۱. نگاه به اوضاع جهان و منطقه
- ۲. انقلاب ایران و تحولات حکومت جمهوری اسلامی
- ۳. درباره خط مشی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
- ۴. اوضاع سیاسی، جنبش توده ای و وظایف ما

این قطعنامه ها خطوط اصلی و محوری فعالیت سازمان در فاصله دو پلنوم

## ویژه پلنوم، منتشر شد

شماره نهم کار (۵۰ آبان ۶۳) به انتشار اسناد پلنوم همراه کمیته مرکزی سازمان اختصاص دارد. در این شماره کار اسناد زیر به چاپ رسیده است:

- ☆ اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی درباره تشکیل پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
- ☆ قطعنامه درباره انقلاب و حاکمیت جمهوری اسلامی ایران
- ☆ قطعنامه درباره خط مشی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
- ☆ قطعنامه درباره اوضاع جهان
- ☆ قطعنامه درباره اوضاع سیاسی، جنبش توده ای و وظایف ما
- ☆ برنامه مابرای جبهه متحد خلق
- ☆ پیام پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به مردم ایران
- ☆ پیام پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به اعضا و هواداران
- ☆ پیام پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به زندانیان سیاسی
- ☆ پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
- ☆ پیام پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به کمیته مرکزی حزب توده ایران

## خروش ۱۳ آبان دانش آموزان، خاموش ناشدنی است

در صفحه ۳

## اتحاد شوروی و خاور نزدیک

در صفحه ۹

## نامه ای از ایران، برای معدنچیان اعتصابی بریتانیا

در صفحه ۲

## بلوچستان:

## یک تصویر، یک گزارش

در صفحه ۶

## جنبش ملی خلق کرد،

## دربرابر تهاجمات گسترده رژیم، استوار مانده است

موفقیت به مرحله اجرا بگذارد. برخلاف اطلاعیه های "قرارگاه حمزه" - مرکز فرماندهی نیروهای سرکوبگر کردستان - که همواره ادعا می کنند با آخرین عملیات آن، کار جنبش یکسره شده است، موسوی کمی احتیاط کرد و گفت از تمرکز مقاومت در کردستان "دو صباچی بیشتر نمائند"

بقیه در صفحه ۳

آخرین نمایش تلو یزیونی موسوی نخست وزیر (۲۳ مهر) به اوضاع کردستان، اختصاص دارد. انتخاب این موضوع، اتفاقی نیست. با پایان یافتن فصل گرما، رژیم در مرحله پایانی یک سلسله عملیات علیه خلق کرد قرار دارد و می خواهد بر روی این موضوع تبلیغ کند که اکنون می تواند برنامه های جدیدتری را در این زمینه با

# صلح، استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی

## گلبانگ شب شکن

بقیه از صفحه اول  
از قبضه قدرت حکومت، فرمان " انحلال " صادر می کردند، کوی و برزن را، خانه و کارخانه ها را در جستجوی هر آن کس که دل با مردم داشت، می کاویدند، و با توسل به ددمنشانه ترین اشکال سرکوب مذبحان می کوشیدند، فدائیان خلق را از رزمیدن در راه خلق باز دارند، نمی توانستند دریابند که انجام کدام کار ناممکن را در پیش گرفته اند و قدم در کدام باطلای نهاده اند.

برای فدائیان خلق نه آن همه شکنجه و شلاق می توانست سد راه شود و نه پیگرد سازمان یافته می توانست بر اراده پولادین این گردان رزمده طبقه کارگر خلی وارد سازد. در برابر دشمنان مضطرب مرتجعین، رزم استوار فدائیان ادامه یافت. فدائیان خلق به شایستگی فراخوری گردان کارگری، در راه کارگران و همه مردم به مبارزه شکوهمند خویش ادامه دادند، در سرتاسر کشور حضور سازمان یافته خود را حفظ و تحکیم کردند و نشان دادند که در دل این پیشاهنگ طبقه کارگر چه ذخیره پایان ناپذیری از دلیری و پایداری و قهرمانی وجود دارد.

در معرکه های از خون و آتش، دلاوری های بی ماندی صورت گرفت. قربانی های بسیاری داده شد. با اینکه دشمنان مردم توانستند، گروهی از فدائیان خلق، این بهترین فرزندان زحمتکشان را اسیر سازند و به خون بکشند، اما نتوانستند به رغم آرزوهای پلیدشان، انسجام کم نظیر سازمان را درهم بشکنند. فدائیان خلق در پیشاپیش کارگران و جنبش خلق به انجام وظایف سترگی ادامه دادند که برای تحقق صلح، استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی در پیش گرفته بودند.

در زمانی که سرکوب وحشیانه، کار مبارزه مردم و نیروهای مترقی را دشوار کرده بود، حضور قدرتمند سازمان در میان مردم، سنگر استواری شد تا در پناه آن مبارزه خالص هم چنان پی گرفته شود. این دستاورد از آن مردم و از آن همه کسانی بود که در راه مردم مبارزه می کردند. سهم بزرگ فدائیان خلق در رویارویی با تهاجمات مرتجعین علیه خلق، توان بیکران طبقه کارگر را متجلی کرده است.

انسجام، گستردگی، رزمجوئی، شتاب و استواری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) در یکی از دشوارترین دوره های حیات پر نشیب و فراز این گردان طبقه کارگر، خارج چشم دشمنان مردم شده است. پرچم رزم کارگران و زحمتکشان که در دست مصمم رهبری سازمان بنفشه بازمی بیندازد، برافراشته مانده، نیروی عظیمی را در پیرامون خود گرد آورده است. حول این پرچم ظفر نهان فدائیان خلق با گامهای استوار، به پیش، به سوی

پیروزی ره گشودند.

اینک زمانی که با دشواری های بزرگ پشت سر گذاشته شده است، در فرازی از این راه، پلنوم کمیته مرکزی سازمان پر افتخار ما، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) برگزار گردید و با پیروزی کامل پایان یافت. تصمیمات و مصوبات پراچ آن، شایسته ارگان های رهبری این پیشاهنگ طبقه کارگر، برای غلبه بر مشکلاتی است که در راه پیروزی همه مردم، باید از میان برداشته شوند. این دستاورد بزرگ فدائیان خلق، حاصل مبارزه مردان و زنانی است که با سینه های مالامال از عشق و امید در راه آرمان های والای طبقه کارگر و زحمتکشان رزمیده اند. تصمیمات، مصوبات و نتایج پلنوم کمیته مرکزی جراحی است فرا راه طبقه کارگر و همه زحمتکشان. در پرتو آن، رزم ما در خشن تازه ای می گیرد.

پلنوم کمیته مرکزی بیانگر عزم آهنین رزمندگان فدائی در پیش راه طبقه کارگر تا پیروزی نهائی است. سطر سطر اسناد منتشره از سوی پلنوم نمود ایمان لایزال به پیروزی راهمان و اطمینان خلل ناپذیر به رهائسی رنجبران است. با چنین اطمینان و ایمانی به سوی هدف مقدس خود به پیش می نازیم و همانگونه که پلنوم کمیته مرکزی در پیام به اعضا و هواداران گفته است " سرود سرخ ما، سرود کوبنده کارگران، دیوارهای سکوت را فرو می کوبد و پهنای ایران را فرا می گیرد، چرا که ما بسیدار زندگی از دیوارهای مرگ می گذریم و در ژرفای ظلمت، بدر آفتاب می کاریم و به سوی پیروزی، بسوی آزادی و پیروزی، بسوی روزنوجوشن نو روزی پیش می رویم."

از پیام پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) به مردم ایران:

هم میهنان عزیز!

آیت الله خمینی و دیگر سران جمهوری اسلامی که زمانی از حمایت محرومان صحبت می کردند امروز جانب کلان تاجران بازار را گرفته و از نود ست سرمایه دارهای بزرگ را برهستی شما باز کرده اند و از بزرگ مالکان حمایت می کنند. آنها اصول اقتصادی قانون اساسی خود جمهوری اسلامی را نیز به دو رافکنده، د ولتی شدن تجارت خارجی را لغو کرده و قانون اصلاحات ارضی را باطل اعلام کرده اند. آنها کلان سرمایه دارانی را که انقلاب شما آنها را فراری داده بود و باره به کشور دعوت کرده، کارخانه ها، املاک و اموال خلق را به آنها پس می دهند.

هم میهنان مبارز! علیه این سیاست ضد مردمی رژیم مبارزه کنید.

## اطلاعیه دبیرخانه

بقیه از صفحه اول

ارزیابی ها، سیاست و خط مشی سازمان را معین میکند.

پلنوم برای مبارزه در راه وحدت پیشاهنگ طبقه کارگر ایران به مقابله شالوده اتحاد بزرگ نیروهای خلق اهمیت جدی قائل شد و بر ضرورت آن تاکید کرد. پلنوم وظایف مبارزه در راه اتحاد همه نیروهای انقلابی، دمکراتیک و ضد امپریالیستی کشور در جبهه متحد خلق به منظور پایان دادن به حاکمیت ارتجاع و تشکیل یک دولت ملی و دمکراتیک را معین کرد و برنامه پیشنهادی سازمان برای این جبهه را تصویب و قرار انتشار آنرا صادر نمود.

پلنوم همچنین قراردادی لازم را در باره اصول کار سازمانی در شرایط حاکم بر کشور تصویب کرد و تدابیر مربوط به حفاظت کادرها و شاخه ها، تشکیلات را مورد تأیید قرار داد.

پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) سپهر به بحث درباره پذیرش اعضا و مشاورین تازه و ترمیم کمیته مرکزی پرداخت و در این باره تصمیمات لازم را اتخاذ کرد.

پلنوم همچنین هیات سیاسی و هیئات دبیران کمیته مرکزی را برگزید و رفیق فرد نگهبان را مجدداً به سمت دبیر اول کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) انتخاب کرد.

پلنوم در پایان کار خود پیامهای زیر را صادر کرد:

- پیام به مردم ایران
- پیام به حزب توده ایران
- پیام به اعضا و هواداران سازمان
- پیام به زندانیان سیاسی ایران
- پیام به مردم جهان در باره زندانیان سیاسی ایران

پلنوم مهرماه ۱۳۶۳ کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) تمام تصمیمات فوق را با تاق آرا و در فضایی رفیقانه و سرشار از وحدت فکری و سیاسی اتخاذ کرد. پلنوم انسجام فکری و وحدت ایدئولوژیکی دستگاه رهبری سازمان را تقویت کرد.

مصوبات پلنوم مهرماه ۱۳۶۳ در گسترش وحدت ایدئولوژیکی و سیاسی در سازمان، در ارائه ارزیابی صحیح از روند انقلاب ایران و ارائه خط مشی صحیح برای مبارزه انقلابی در میهن ما و در تقویت مواضع جنبش کمونیستی و کارگری ایران بی گمان نقشی تاریخی و سرهم ایفا کرده است. مجموعه مصوبات پلنوم مهرماه ۱۳۶۳ کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) راهنمای خلاق و کارساز طبقه کارگر و همه زحمتکشان میهن در مبارزه علیه ارتجاع حاکم، علیه امپریالیسم، برای صلح، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی است.

دبیرخانه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)

۲ آبان ماه ۱۳۶۳

## خروش ۱۳ آبان دانش آموزان، خاموش ناشدنی است

شاه پرستان است. مردم ددمنشی های رژیم ستمشاهی را در صدها ۱۳ آبان فراموش نکرده اند. عوامفریبی های کنونی تفاله های این رژیم نیز قادر نیست با استفاده از جنایات حکام جمهوری اسلامی، دستهای خون آلود آنان را در پس پرده های تیرنگ و تزئین، پنهان سازد. مردم ما ددمنشی های این دژخیمان

دولت نظامی بر آن شد تا بی پروا تر جنبش مردمی را به خاک و خون بکشاند. ولی ایسن آخرین تیر ترکش رژیم ستمشاهی نیز در مصاد با اراده توده ها، کارگر نیفتاد. ۱۳ آبان تنها يك نمونه از جنایات شاه

۱۳ آبان يك روز بزرگ تاریخی در مبارزات مردم میهن ماست. در این روز دانش آموزان به جان آمده از ستم رژیم شاه، در ادامه مبارزات خود تظاهرات گسترده ای در خیابانهای تهران برپا کردند و با خروش خشم آگیزان، دشمن را به هراس افکندند. مزدوران رژیم شاه در دانشگاه و خیابانهای اطراف آن، به روی دانش آموزان و دانشجویان، آتش گشودند. دهها جوان و نوجوان به خاک افتادند. مردم بدنه های خون آلوده این فرزندان خود را به روی دست گرفته و برای به نمایش نهادن جنایت دژخیمان، در خیابانهای شهر به گردش درآمدند. جنبش اوج دیگری یافت و فریادها به مراتب خشمگین تر شد. در مقابل اراده پولادین خلق، ضد خلق با آخرین سلاح خود به سرکوب قیام کمر بست. دولت شریف امامی مزدور استعفا داد و از هاری خون آشام سکان کشتی درهم شکسته دولت را در دست گرفت.



## جنبش ملی خلق کرد، در برابر تهاجمات گسترده رژیم، استوار مانده است

بعد از صفحه اول

است" و "عملیات ایدایی" در کردستان می تواند ادامه یابد.

مردم مادیرگه تکرار این ترجیحات کهنه خو گرفته اند. اکنون بیش از سه سال است که سخنو یان رژیم، هرازگاهی "قاطعیت" ۱۰۰ در سرکوب خلق کرد را دیگر کار سازد است و دفتر جنبش مقاومت را بسته اعلام می کنند. تکرار مداوم این یاوه ها، خود دلیل قاطعی در اثبات پوچ بودن آنهاست. از اینرو بهتر است اینبار نیز گفته های بعدی موسوی را در مورد کردستان پاسخ گزافه های فعلی وی گرفته و به این مساله بپردازیم که یورشهای بهار و تابستان امسال چه نتایجی در برداشته که رژیم را اینسان بهلافزنی وای دارد.

امسال بین تهاجمات وسیع رژیم در جبهه جنگ با عراق، فاصله ای طولانی پیش آمد. از اسفند ماه سال گذشته تاکنون، حمله وسیعی به خاک عراق در سطح حملات "الفجر" صورت نگرفته است. رژیم از این وقفه استفاده کرد و تمرکز نیرو در کردستان را به نحوی سابقه ای افزایش داد. تهاجم به مناطق آزاد شده نیروهای

پیشمرگ، از اوایل بهار شروع شد و تقریباً بدون توقف، ادامه یافت. مقابل باین تهاجم آزمون موثری برای سنجش توان جنبش ملی در دفاعی و بویژه توان نظامی آن بود. با وجود این که مناطق قابل توجه و بعضاً پراهمیتی به تصرف نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی درآمد، اما نیروهای پیشمرگ متحمل يك ضربه پر دامنه نشدند و به نوعی خود توانستند شکستهای موضععی چشمگیری را نصیب دشمن سازند. اگرچه نباید

نباید نتایج یورش کنونی رژیم را مطلقاً با یورش تابستان ۵۸ مقایسه کرد و در مورد روند جنبش نظرداد. اکنون ارتجاع با همه توان حکومت خود به سرکوب جنبش پرداخته است. این عامل، همه فاکتورهای اصلی مؤثر در مساله را در تعاقبت خود به ایفای نقش وامی دارد. برآیند واقعی نیروهای بالفعل، همان توازن است که اکنون به چشم می خورد و جنبش مقاومت را اساساً در فشار جنگ پارتیزانی قرار داده است. این فاز بعدی جنگ جبهه ای همچنان نیست و انحطاط و تحرك فوق الحاده و بطور کلی تاکتیکیایی را ایجاب می کند که مضمین بقای رزمنده جنبش باشد.

در سلسله عملیات بعدی، نیروهای سرکوبگر نخواهند توانست یورش خود را از همانجا پیگیرند که در حال حاضر مجبورند آنرا کاملاً پیش متوقف سازند. در این مدت، نهضت نیروهای پیشمرگ، عقب نشینی های معینی به آنها تحمیل خواهد شد. علم به این نکته برای قضاوت در مورد یورش بعدی کافی نیست. نباید این گمان به وجود آید که توازن قوا، به گونه ایست که مدار پیشرفت - عقب نشینی - پیشرفت، به صورت بسته ای تکرار خواهد شد. باید توجه داشت که در حال حاضر رژیم بعد از تحمل چندین شکست، موثرترین حریر را برای سرکوب جنبش مقاومت، تمرکز نیرو تا حد اکثر امکان، گسترش پایگاههای نظامی و توسل به تاکتیک "زمین سوخته"، تشخیص داده است. نیروهای سرکوبگر، از هم اکنون در تدارک آنند که ایسن طرحهای عملیاتی را در یورشهای گسترده بعدی، باشد و حدت بیشتری به موقع اجرا بگذارند.

بهره جویی رژیم از تاکتیکیایی همچون کوچ دادن روستاییان، حکایت از استیصال استراتژیک رژیم در کردستان دارد. یکی از شیوه هایی که نیروهای سرکوبگر برای جبران واقعی مجموعه عوامل دخیل در مساله است.

از نظر و داشت که خیل غالب عملیات نیروهای پیشمرگ، دفاعی بود. با برآوردی از تلفات نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی و موقعیتهای پیشمرگگان، دلاور کرد در برابر پیشرویهای اینجاء و آنجا قوای

از قطعنامه پلنوم سازمان در باره اوضاع سیاسی جنبش توده ای و وظایف ما

★ "جنبش ملی خلق کرد که برای تامین خود مختاری برای کردستان مبارزه می کند، جزء تفکیک ناپذیر جنبش ملی - دمکراتیک مردم ایران است. علی رغم لشکرکشی نظامی مکرر به کردستان، علی رغم بمباران وحشیانه و قتل عام های بیرحمانه مردم بی گناه، رژیم از در هم شکستن جنبش ملی عاجز مانده است. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) لشکرکشی به کردستان و سرکوب وحشیانه مردم قتل عام زنان و کودکان کرد را محکوم می کند. و مردم سراسر ایران را به مبارزه علیه جنایات هیات خاکه جمهوری اسلامی در کردستان و دفاع از خواستهای برحق خلق کرد فرا می خواند. سازمان پیگیرانه از مبارزه عادلانه مردم کردستان در راه کسب خود مختاری پشتیبانی می کند."

رژیم می توان نتیجه گرفت که یورش اخیر نتوانسته است در توازن نیروها، يك تغییر اساسی ایجاد کند.

توازن قوای فعلی در کردستان، نتیجه واقعی مجموعه عوامل دخیل در مساله است.

## تشکیل انجمن همبستگی ضدامپریالیستی در اتریش

اتحاد و همبستگی نیروهای انقلابی در سراسر جهان برای مبارزه با امپریالیسم، یاری رساندن به یکدیگر، تجربه اندوزی از مبارزات یکدیگر، افشای توپیکه های امپریالیسم در سطح جهانی، انعکاس دادن مبارزات همه خلقها و گسترش روح دوستی و مودت بین ملت‌ها از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

این اتحاد و همبستگی به شکل‌های گوناگونی متجلی شده و در سطوح مختلفی تحکیم و مادیت می‌یابد.

در راستای نیل به این هدف برجسته مبارزاتی، در تاریخ ۱۳ اکتبر در شهر ویین پایتخت اتریش نشستی با حضور جمعی از نمایندگان و اعضای حزب کمونیست اتریش، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)، حزب تودما ایران، انجمن دوستی خلقها و ایران و اتریش، کارگران مترقی ترکیه، حزب سوسیالیست کارترکیه، حزب کارترکیه، حزب کمونیست شیلی، جنبش انقلابی چپ شیلی (میر)، جبهه نیروهای دموکراتیک شیلی، اتحادیه کل دانشجویان فلسطینی، انجمن دانشجویان عراقی در اتریش و اتحادیه دانشجویان و جوانان کرد برگزار گردید. در این نشست تشکیلی به نام "انجمن همبستگی ضدامپریالیستی" برپا شد.

این انجمن در بیانیه اعلام موجودیت خود، با اشاره به سیاستهای تجاوزگرانه و جنگ طلبانه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و حمایت آن از رژیمهای مرتجع در جهان و سرکوب جنبشهای رهایی بخش، ضرورت گسترش همبستگی میان نیروهای انقلابی و ضدامپریالیست را یادآور نمود و باتوجه به حضور نیروهای سیاسی و سازمانهای انقلابی از کشورهای مختلف که برخی از اعضا نمایندگان آنها به صورت پناهنده، تبعیدی، مهاجر و غیره در اتریش به سر می‌برند، هدف خود را تحکیم همبستگی و تشریک مساعی این نیروها را انعکاس و وسیع مبارزات آنها در میان مردم اتریش قرار داده است. این بیانیه همه نیروهای مترقی فعال در کشور اتریش را فرا می‌خواند تا به "انجمن همبستگی ضدامپریالیستی" بپیوندند.

**با جمع آوری کمک مالی  
فدائیان خلق را در انجام  
وظایف انقلابی خود  
یاری دهید!**

شاهد ریزش سقف تونلها بودم و دیده‌ام که با بروز هر حادثه ای، چگونه جان دهها معدنچی زحمکش بریانی سودجویی های سرمایه داران میشود. من با زندگی سست و طاقت فرسای خانواده های کارگران معدن تا س مستقیم داشته‌ام و از همین رو با تمام وجود خود احساس میکنم که شما چه میگوئید و چه میخواهید...

معدنچیان ایران بخش قابل توجهی از طبقه کارگر میهن ما را تشکیل میدهند. وضعیت مشقت بار کار و زندگی آنها خارج از توصیف است. آنها مبارزه خود را در شرایط بسیار مشکلی پیش میبرند. حکومت جمهوری اسلامی با خواستهای بحق آنان با سر نیزه، زندان شکنجه و اعدام پاسخ میدهد. آنها دارای یک تجربه طولانی مبارزاتی هستند و مهمبترین دیکتاتورها نیز نمیتوانند صدای آنها را خاموش سازد.

معدنچیان ایران رزم شما را با دقت دنبال میکنند. متأسفانه خفقان موجود اجازه نمیدهد آنها همبستگی خود را با شما علناً ابراز دارند. اما آنان مبارزه شما را مبارزه خودشان میدانند و...

من از جانب تعدادی از رفقای معدنچی این نامه را برای شما مینویسم. همه آنها برای شما آرزوی موفقیت دارند و به این وسیله همبستگی خود و همه معدنچیان ایران را با شما اعلام میکنند...

دستان عزیز! من همراه این نامه معادل هزار تومان برای کمک به صندوق اعتصاب شما میفرستم. من خود به علت مبارزه با سرمایه داران زالو - صفت و دولت حامی آنها از معدنی که در آن کار میکردم اخراج شده‌ام و لذا نتوانستم به دلیل دست تنگی و نیز گرانی ارز خارجی بیشتر از اینها به شما کمک کنم. به همین لحاظ از شما پوزش می‌الم.

در مقابله با آن ۱۳ آبان آفریده شد، بزرگ مدارس سلطه یافت.

رژیم جمهوری اسلامی نمی‌تواند درخشش روزی چون ۱۳ آبان را منکر شود اما می‌کوشد آن را از مضمون تهی سازد. دانش آموزان را به تظاهرات وامی‌دارند اما نه برای بزرگداشت این روز و نه برای زنده نگه داشتن شعارهای این حرکت شور آفرین. آنها می‌توانند تظاهرات کنند به شرطی که شعارهای ارتجاعی و جنگ طلبانه سر دهند.

مبارزات دانش آموزان که بعد از انقلاب نیز به نحوی استوار ادامه یافت نشان دهنده رسوخ آرمانهای ۱۳ آبان و آرمانهای بنیادی انقلاب در اذهان سازندگان فردای میهن ماست. این آرمانها زنده اند و هنوز علی‌رغم خفقانی که بر سرتاسر میهن ما دامن گسترده است، شور و حرکت می‌آفرینند. خروش ۱۳ آبان و ۱۳ آبانها خاموش‌ناشدنی است.

## نامه‌ای از ایران برای معدنچیان اعتصابی بریتانیا

رفقای گرامی هیأت تحریریه نشریه "اکثريت"!

درود های کمونیستی و انقلابی مابذیرید. نشریه "اکثريت" به طور مرتب بعد ستمی رسد. این نشریه همبستگی گویای انقلاب بین کمونیستهای ایرانی در خارج از کشور است و به درستی مبارزات مردم میهن ما و مردم سراسر جهان را انعکاس می‌دهد.

من افتخار دارم که عضو سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) هستم و رد این سازمان مبارزه در راه پیروزی طبقه کارگر، عشق به میهن و انترناسیونالیسم پرولتری را آموختم. ۱۰۰۰ از شما درخواستی دارم: من از طریق نشریه "اکثريت" نیز از یوهای انقلابی در جریان مبارزات معدنچیان مبارز انگلستان قرار گرفته‌ام. از آن نظر که خود در معدن کار می‌کنم، مبارزات معدنچیان اعتصابی انگلستان را با دقت ویژه ای دنبال می‌کنم. من وضع خود دانستم که با ارسال پول مختصری از این اعتصاب حمایت کنم. خواهش من از شما این است که این کمک مالی را با نامه ای که برایتان نوشته‌ام بدست آنها برسانید.

با درود های آتشین  
ب. ۶۳/۷/۲۵

قسمتهایی از نامه رفیق ب. به معدنچیان بریتانیا  
معدنچیان مبارز معدن ذغال سنگ بریتانیا!  
من این نامه را از ایران برای شما مینویسم. من اعتصاب پرشور شما را از طریق رادیو و مطبوعات مترقی جهان دنبال میکنم. و از پایداری شما غرق در شادی میشوم. مبارزه شما به طبقه کارگر همه کشورها و همه نیروهای که در راه رهایی پرولتاریا می‌زنند، نیرو و نشاط میدهد. معدنچیان مبارز! من یک زمین شناس ایرانی هستم و تاکنون بیش از ده سال از عمرم را در معدن سر کرده‌ام. من از نزدیک با کارمشت با رو سخت شما آشنایی دارم با رها

## خروش ۱۳ آبان...

بقید از صفحه ۳

را با گوشت و پوست خویش، احساس کرده‌اند. هدف مردم از حماسه هایی چون ۱۳ آبان آن بود که برای همیشه به کشتار و سرکوب خلق پایان داده شود، اما خاکشان به انقلاب به این آرمانهایی که انقلاب را پدید آورد، پشت کردند. اکنون بسیاری از همان کسانی که ۱۳ آبان را آفریدند به جرم تعهدشان به انگیزه ها و آرمانهای همین حرکت انقلابی پا درینند و یا به جوخه اعدام سپرده شده‌اند. بسیاری از همان دانش آموزانی که با شور عمیق انقلابی خود در ۱۳ آبان به مصافی دلورانه با مزدوران رژیم شاه پرداختند، بعد از انقلاب، به دلیل حفظ همان شور و روحیه، از تحصیل محروم گردیدند. سخن گفتن از آزادی مجدد در مدارس ممنوع شد و باز همان خفقانی که

## کارنامه جمهوری اسلامی در مراکز آموزشی، سیاه و ننگین است ⑥

جو ضد علمی موجود در دانشگاهها و ادامه اخراج استادان پیش از پیش مراکز آموزش عالی را از یاد رهای علمی تهی ساخت. فعال ما پشا بودن مشتى كور ذهن مرتجع بعنوان "شوراهاى پذیرش" و یا "هیاتهای تشخیص صلاحیت" فقط منجر به اخراج و یا انصراف از تدریس بخش بزرگی از استادان مبارز و انقلابی و دگراندیش گشت، بلکه جمع کثیری از آنان به دلایل دیگر و گاه "مضحک" مورد تصفیه قرار گرفتند. دیده شد که استادان از رشدی در یک رشته فنی، بخاطر سوز زدن در راهرو دانشگاه اخراج گشت و یا استاد دیگری در درس بیولوژی به دلیل استقبال بیش از حد دانشجویان از درس و مقبولیت وی در این میان بودند استادان و کارکنان فرصت طلبی که با آغاز از ریش و شنگری برچانه و ادامه دادن بانه ریش رشد یابنده و پیراهن سفید تکه یقه بسته به سرعت مقامات و مناصب دانشگاهی و وزارت فرهنگ و آموزش عالی را اشغال کردند.

بهر حال، اکنون رژیم با بحران حادى در زمینه کمبود کادر علمى و آموزشى در دانشگاهها روبروست و گسترش "عقلانیت" بورژوازیی در میان این خائنین به خلق، آنان را روز به روز بیشتر به عقب روطه ای که خود را در آن گرفتار کرده اند، آگاه می سازد. و در این رابطه دوره گردیهای آنها جهت جذب متخصصین خارج از کشور، استخدام استادان هندی و پاکستانی و دوره های متعدد و رسماً شکست خورده "تربیت مدرس"، هیچکدام نتوانسته است این بحران را تخفیف دهد.

اما "شاه" کار جمهوری اسلامی در عرصه آموزش عالی که هدف اصلی رژیم از "انقلاب فرهنگی" و تعطیلی دانشگاهها را تشکیل می داد، باید در تلاش برای تهی کردن دانشگاهها از دانشجویان مبارز و انقلابی و اخراج و تعلیق گسترده آنان دانست. برای اینکار برنامه ریزی درازمدتی صورت پذیرفت. رابطه گسترده و تنگاتنگی بین ارگانهای سرکوبگر و اطلاعاتی رژیم و عوامل و یادش در میان دانشجویان برقرار گشت. این برنامه ریزیها و اقدامات در چارچوب سیاست عمومی رژیم در سرکوب و پیگرد نیروهای مترقی و انقلابی و به شکل زندانی کردن و درمورد، بسیاری اقدام دانشجویان انقلابی خود را به نمایش می گذاشت که پس از بازگشتی دانشگاهها و مدارس عالی، اخراج و تعلیق دانشجویان نیز به آن اضافه گشت.

در تمام مدت تعطیلی دانشگاهها، ایادی رژیم، تا حد امکان به جمع آوری اطلاعات و تجسس در مورد دانشجویان پرداختند. جها در دانشگاهی، "دفتر تحکیم وحدت" و "ستاد امواج برای انقلاب فرهنگی" بخش مهمی از نیرو و

فعالیت خود را به این امر اختصاص دادند. در هر دانشگاه و دانشکده هیاتهای متمرکز گشت که بعد ها نام "شورای پذیرش" را بر خود نهادند. و به این دلیل که بخشی از فعالین سازمانها و گروههای سیاسی را دانشجویان تشکیل می دادند رابطه نزدیکی بین شکنجه گاههای رژیم بویژه دادستانی مستقر در زندان اوین و ارگانهای تجسس در دانشگاهها برقرار گشت. گروهی از بازجویان و شکنجه گران اوین را تعدادی از دانشجویان انجمنهای اسلامی تشکیل می دادند و می دهند و متقابلاً خود این انجمنها به ارگانهای اجرایی جاسوسی نهاد های سرکوبگر رژیم بدل شدند.

پس از ۲ سال و نیم توقف فعالیت آموزشی در دانشگاهها و مدارس عالی، در نیمه دوم سال تحصیلی ۶۲ - ۶۱ برای دانشجویانی که کمتر از ۲۵ واحد به پایان تحصیلاتشان باقی بود و سال بعد برای سایر دانشجویان، اعلام بازگشایی شد. این بازگشایی شامل رشته های فنی - مهندسی، پزشکی و کشاورزی شد و دانشکده ها و رشته های مربوط به علوم انسانی کاملاً بسته ماندند.

برای تکمیل پرونده های اطلاعاتی جهت پیگرد پلیسی و شناخت عقاید، پرسشنامه هایی در اختیار تمامی دانشجویان قرار گرفت. این پرسشنامه مشتمل بود بر سؤالاتی در مورد سابقه فعالیت سیاسی و صفی دانشجویان چه در رژیم شاه و چه رژیم کنونی، آدرس و کوی محل سکونت، نام و نشان فامیل و دینیت و آشنا، نظردر مورد مسایل مختلف اجتماعی و... تمامی دانشجویان مجبوره پر کردن این پرسشنامه شدند.

در رشته ها و دانشکده های بازگشایی شده به تفاوت و بطور متوسط از ثبت نام نزدیک به ۱۰۰ دانشجویان معانعت بعمل آمد. برخی از آنها اخراج شده، و ادامه تحصیل برخی دیگر به حالت تعلیق درآمد. بسیاری از دانشجویان محروم شده ترمهای آخر تحصیل خود را می گذراندند و حتی موارد زیادی دیده شد که دانشجویانی تنها از راه پایان نامه آنان باقی مانده بود. چه بسا دانشجویان سال آخر پزشکی که دوران "انترنی" خود را می گذراندند و و یا دانشجویانی که چند واحد آنها باقی مانده بود، از تحصیل محروم گشتند. در چندین مورد توقیف پایان نامه تحصیلی و یا حتی لغو دانشنامه فرد فارغ التحصیلی که دوران سربازی را می گذراند دیده شد.

از آنجا که بسیاری از اطلاعات، بر اساس ذهنيات و حدس و گمان جاسوسان رژیم در دانشگاهها جمع آوری شده بود، نمونه های زیادی از اعلان اشتباه اسمی، اخراج دانشجویان شهید شده بدست رژیم شاه،

محرومیت از تحصیل دانشجویان مطلقاً غیر سیاسی و یا اخراج فارغ التحصیلان سالها قبل از آن، دیده می شد.

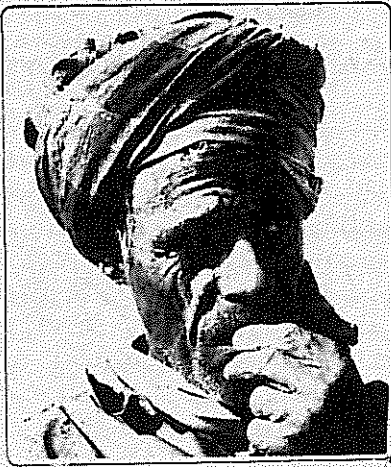
شوراهاى پذیرش و شورای مرکزی پذیرش مستقر در "ستاد امواج برای انقلاب فرهنگی" که از عوامل قشری، ضد انقلابی و فرصت طلب رژیم انباشته شد در کلیه دانشگاهها و مراکز آموزش عالی خود را مخفی کرده و از معرض شناسایی، قضاوت و اعتراض دانشجویان دور ساخت. روسای تمام دانشگاهها و مدارس عالی رندانشه خود را از مسئولیت اخراجها مبرا و آزاد ریحیطه مسئولیت "شورای پذیرش" غیبی اعلام کردند. به دنبال گسترش اعتراضات دانشجویان و خانواده های آنان، اینجانب و انجمنهای دانشجویی و مسئولین و شخصیتهای جمهوری اسلامی برای لاپوشانی و کاستن از عریانی اقدامات انجام یافته، سخنانی ایراد کردند. تدابیری نیز در جهت تخفیف فشار دانشجویان اتخاذ گشت که آرایه آئیننامه مربوط به دادن فوق دیپلم به برخی از دانشجویانی که بیش از ۷۰ واحد درسی را گذرانده اند، از آنجمله است.

در ادامه تمهیدات ارتجاعی و سرکوبگرانه رژیم در دانشگاهها که با هدف دستگیری فعالین جنبش دانشجویی و نیز شکستن شخصیت انقلابی دانشجویان صورت پذیرفت، ارسال نامه هایسی بود برای اکثر دانشجویان تعلیقی و یا اخراجی که برای تعیین تکلیف، خود را در تهران به دادستانی مستقر در زندان اوین و در شهرستانها به مراکز اطلاعاتی سپاه معرفی کنند. برخی از دانشجویان مراجعه کننده دستگیر و در مورد بقیه ضمن بازجویی های مکرر و توهین و اراعت تلاش نمودند که از آنها توبه نامه و تفرنامه نسبت به گروههای سیاسی اخذ کنند. بسیاری از این دانشجویان هیچگونه فعالیت سیاسی مشخص گروهی نداشتند.

با افزایش شناخت رهبران جمهوری اسلامی از افراد و طرز اقدام و نشان توسط توده های مردم و درک لزوم استتار اینگونه اقدامات آشکار و مردمی و نیز درک نیاز به بر مبه متخصصانی در راه اندازی اقتصاد و رشکستنه و وابسته، تلاش می شود فجایع انجام یافته در مراکز آموزش عالی را تا حد افراط کار بهایی ناشی از "برخورد خشک" و عدم انعطاف برخی دانشجویان دست اندرکار این امر تخفیف داده و به نوعی گریبان خود را از زیار خشم مردم در این زمینه برهانند. اما کیست که نداند تمامی رهبران و دست اندرکاران آموزشی رژیم با اندکی تفاوت در نحوه برخورد، در تمام سیاهکاربهای انجام یافته در دانشگاهها از آغاز "انقلاب فرهنگی" تاکنون شریکند و کیست که نداند این سیاهکاربها بخشی از اقدامات عمومی حکومت است در پایمال ساختن حقوق فردی و اجتماعی مردم ایران.

اکنون دانشجویان تعلیقی مجبورند در مقابل "دادگاه و ویژه دانشگاه" حضور یافته و در صورتیکه از اتهاماتی نظیر داشتن افکار و بقیه در صفحه ۸

## بلوچستان: يك تصوير، يك گزارش



کشیده، نشانهای برجاست. چنان بی پرواستم کرده اند، چنان لگام گسته زحمتکش بلوچ را غارت درده اند که پشت او راخم کرده، شیر جانش را کشیده و نفسش را بریده اند.

\*\*\*

بادهای گرمی که از آن سوی خست استوا، از آبهای داغ اقیانوس هند برخاسته و هجوم خود را آغاز می کنند، چنان توفنده می و زند که چیزی از جان و مان ماهیگیران خاشیه اقیانوس بر جانی گذارند. آبادیهای کناره دریا، در سواحل جنوبی میهن ما را این بادهای در طی قرون ویران کرده اند، از لنگه تاجاسک و تا گوآتر. دریا و مردم سواحل، در این بادهای ویرانگر چنان خاصیت مرکبایی نهفته است که درون آدمی را نیز ویران و پیرشان می سازد. گویی که باد مسموم از منفذ تن من می گذرد و شراره آن جان را به آتش می کشد. این بادهارا "بادجن" می نامند. جس زده نفرین شده، همان انسان پریشانی که زالوهای جامعه او را بی پناه در چنبره طبیعت سرسخت رها کرده اند، بر زمین درازی شود، درخسود می پیچد، همچون يك صرعی کف بر لب می آورد، عضلات متقبض تن در یکدیگر پیچیده می شوند، رنجی مهیب در سینه می نشیند و دردی بی حساب از نوک سرتا انگشتان پا را در می نوردد و او را از پای می اندازد.

رهایی انسان زخم دیده از آفت بادجن را در گرو مراسمی می دانند که طی آن بانالسه سارو کو بش طبل، و باسرو دی که باطنیسن بم خوانده می شود، بیمار نرم از جایی بر می خیزد، و قتی که غرب دست طبل تن می شود، ترنم سرودند می گیرد، عضلات تن بیمار آهنگ تازه ای می یابد، به تقلا در می آید چرخش دست لنگر تن می شود و پا زمین استوار را دیگر بار در می یابد. رقصی آغاز می شود و سر خورجانی که از مسموم بادجن رهیده است.

\*\*\*

بالاخره اید و دست غریو کو بش طبل انقلاب برخاست. آرام آغاز شده بود و باشتاب تندی گرفت، از دره ها و صحرای بلوچستان

کویر، آن سو و این سوی کوه و دریا آواره مانده اند.

\*\*\*

دوباره اصلی تن بلوچستان، در ایران و پاکستان در کنار یکدیگر، از یکدیگر جدا مانده اند. تا چند دهه پیش، بلوچستان پاکستان را بلوچستان انگلیس می نامیدند و جزئی از تایب السطنه نشین هند بود، که بخش اصلی امپراطوری بریتانیا کیبر را تشکیل می داد. اینک دنباله نامش در دگرگون شده است، ولی برای خلق بلوچ در پاکستان، هیچ چیز دگرگون نشده است. براوهمن می رود که پیش از این می رفست. خون یغماي سردارها، آن بادرینا ارت. امپراطوری حفظ می شد. و این بادرینا سربازان حکومتی نظامی.

بخشی از خلق بلوچ در آن سوی هیرمند در خاک افغانستان جا گرفت و اینک در اشتیاق نور، دریناه حکومت انقلابی، رهایی و سعادت را تجربه می کند.

گروهی از زحمتکشان بلوچ در جستجوی قوت لایموت، سوار بر کرجی های کهنه از آبهای دریای عمان گذر کردند و پراکنده از یکدیگر بگوشه و دراز سرزمین آبا و اجدادی، در مسقط و عمان در ابرو طبی و راس الخیمه و تابه کویست آواره شده اند. آنابه کاوندگان طلای سیاه در

شترزهای داغ صباری بدل شده اند. اما شلاق هم چنان برگردنه شان فرو می آید. اینبار یادست امیران و شیوخ متفرع و هره.

در ایران از آهوران و کو هساران سراوان تا کو بیرو با طلاق جزمو ریان، از آبهای دریای عمان تا خاک سیستان و در خاک سیستان تا کرانه ها مون، قوم بلوچ پراکنده شده است. و فراتر از آن در این گوشه و آن گوشه سرزمین پهناور خراسان تا در دست شمال خاوری، در سرخس، در این قوم زحمتکش برجای مانده است.

برهه آنانی که چه در سرزمین بلوچستان گرد آمده اند و چه آنانی که در خاوران میهن ها پراکنده شده اند، ستمی واحد روا شده است. ستم شاهان، خوانین و سردارها چنان زندگی را بر مردم بلوچ سیاه کرده است که در برابر آن لیب شعاع سو زنده آفتاب بر مرز خشکیده، سیاهی رمه های بیکرانه ملخ در خلستان های بی بار و برشته به هیچ می ماند. بسا هنگام سهم ملخ از چپا و ل کشتزار دهقان بلوچ، تنهاساق و بزگی بود که در پی غارت خان و سردار، برجای مانده بود.

زندگی مردم بلوچ رانه لیب مسموم "بادجن"، که خان و سردار به آتش کشیده اند. از ستم سردارها، بر هر وجه این سرزمین بسلا

بلوچستان را چه کسی ویران کرده است؟ آن باد آتشناک مسموم که از دل اقیانوس بر می خیزد، دشت ساحلی را درهم می نوردد و بالیب سو زنده خود کو هساران خشکیده فلات بلوچستان را خشکیده ترمی سازد، نتوانسته است خلق بلوچ را در چنبره خود داسیر کند. این قوم سرسخت آن را به پس، به سوی شمال می راند و در دل کویر خراسان مدفون می کند. بلندای آموچ دریای عمان، آن هنگام که غبنا طوفان می کند، نتوانسته است ماهیگیران بلوچ را به تسلیم بکشاند، اگرچه از بی این کشاکش هر باره چشمان بی فروغ پیکرهای بی جان گروهی صیاد، در میان ضجه سو زناک زنان بلوچ، پردافنی شن را رکناره دریا، عمق افق را در جستجوی آرامش می کاوند. نه خاک خشکیده دشت های داخلی، نه دم و دود و عفونت زای "تفان" و نه چرخش تیز دانه های شن در گرد باد کویر، هیچیک نتوانسته است بر آواره استوار زحمتکش بلوچ، در سبزه پا آنچه که نباید باشد، غلبه کند. اما با اینهمه سرزمین خلق بلوچ ویرانیه و تکه پاره شده و مردم بلوچ در این سو و آن سو کویر، آن سو و این سوی کوه و دریا آواره مانده اند.

\*\*\*

به گواهی تاریخ، هر قدر به بندگی گذری بر این گوشه گیتی کرد، غریبه شلاقی بر پیکر افغان خلق بلوچ نواخت. از زردان تا جدار ایران و افغانستان و هندوستان گرفته تا زردان تا جدار و بی تاج آنسوی دریاها، همه ردی از خون در این سرزمین فلاکت زده برجای نهادند و هر آنچه را که در چنگشان جای می شده غارت بردند. هرباره قشون سلطانی از بلوچستان خارج می شد، همه چیز را با خود به یغما می برد و در برابر نگاه درد مند انسان بلوچ، آن چه که برجای می ماند چنان بود که گویی کروکر در دست ملخ، سرتاپای این خطه را در هم نوردیده است. آنگاه يك بادر یگر همه چیز می بایست از اول آغاز می شد.

حتی سلاطین پوشالی قاجار هم در بلوچستان عرصه ای برای خود نمایی های نادر ما بانه جستجو می کردند. قشون خاقانی، چوپان و دهقان بلوچ را گردن می زد و در بارگاه سلطان با طمطراق فتحنامه خوانده می شد. در نوبت دو دمان پهلوی نیز بر قوم بلوچ همان رفت که پیش از آن رفته بود. رضاخان و پسرش نه تنها نبال کشنده، که تکمیل کننده ستمی بودند که در همه اعصار بر این خلق روا شده بود. از این رو ستم که سرزمین خلق بلوچ ویران شده تکه پاره شده و مردم بلوچ در این سو و آن سوی

باردیگر با د بربرقی خوانین می و زد، آنها چشم طمع بر تعاونی روستایی دوخته اند. از مقامات رسمی در ایرانشهر خواستند تا زیر پای سرپرستیهای برگزیده روستاییان راجا رو کنند. اما وقتی مقامات مسئول، از شهر برای انجام این خواسته خوانین وارد فنوج شدند، با اعتراض یکپارچه زحمتکشان روستا رو برگردیدند. قاطعیت زحمتکشان انسان را با دست خالی به شهر بازگرداند.

همچنان نفرت از خان نیرومند است. نمی توان هرکاری را به آسانی پیش برد. در اجتماعات مردم و حتی در راه پیمایی های دولتی هنوز هم شعار "مرگ برخان" داده می شود. چند ماه قبل در یکی از راه پیمایی ها، رئیس جهاد سازندگی به مردم گفت: "شعار مرگ برخان ممنوع شده است. به جای آن باید تنها شعار مرگ بر شوری و مرگ بر اسراییل داده شود." رئیس جهاد می داد که اکنون شعار مرگ برخان، به معنی مرگ بر همه کسانی است که با خیانت پیسه انقلاب، خانه های فراری را بازگردانده اند.

بسیج "مستضعفین" با رهبری خانها، عرصه را بر مردم فنوج تنگ کرده است. هزارسرای آزار مردم بهانه تازه ای می یابند. اخیراً دستور دادند، استحکام مردم با آب قنات و شهرها ممنوع می باشد. فنوج فاقد حمام است. زنان و مردان فنوج برای شستشوی تن خود به بیرون روستا، به میان آب شهرو قنات می رفتند. بسیج مدعی شده که این روش شستشو، با معیارهای شرعی منافات دارد. به این ترتیب، در حقیقت مردم بکلی از شستشوی تن خود منع شده اند. خانه های فنوج فاقد حیاط و دیوار بیرونی است. حیاط خانه مردم همان کوچه های روستاست. جایی برای استحکام در نمی آید و وجود ندارد. اما این مهم نیست. مهم این است که با سرنیزه بسیج، معیارهای رژیم به مردم تحمیل شود.

درفنوج و روستاهای پیرامون آن، مثل دیگر نقاط بلوچستان، افرادی هستند که از طریق دهل زنی امرار معاش می کنند. دهل يك آلت موسیقی محلی و دهل زنی یکی از رسوم قد قد صفت

برمی گردند. هرچه می خواستند باردیگر فراهم شده و هرآن چیزی که نشان انقلاب را در خود داشت، توسط رژیم جمهوری اسلامی از میان رفته است. حالا باید "همه باهم" این رژیم را پاسداری کنند. جمخان محمدی به قنوج برگشت، عبدالله خان مبارکی هم برگشت، جمخان را روستاییان فراری داده بودند. روستایی بلوچ با پیروی انقلاب فرصتی یافت تا کینه دیرینه خود را علیه خوانین نشان دهد. عرصه را بر جمخان تنگ کرده بودند. خان ناگزیر به کوهستان گریخته بود. حالا برگشته است تا با محمد عمرخان و دیگر خوانین، بساط پیشین را احیاء کند.

عبدالله خان مبارکی وقتی که روابط مستعفی با اعضای خاندان پلید پهلوی فاش گردید، صلاح دانسته بود منطقه را ترک نماید. پس از چندی محمد عمرخان به او فهماند که هراسش بیهوده است. به اتفاق هم به مقر سپاه پاسداران ایرانشهر رفتند. مسئولان سپاه در برابر خان، شرط ادب را به جا آوردند. خان به فنوج برگشت و از فرماندهان عملیات بسیج گردید. اما او خود می دانده که مردم چه کینه ای از او به دل دارند. می گوشت چندان در معابر آفتابی نشود. عبدالله خان داماد کثرتك خدا انقلابی سرشناس بلوچستان می باشد که از مسئولان ساواك استان بود. حالا جمخان جمع شده است.

محمد عمرخان محمدی هم از فعالان ساواك ایرانشهر بود و با فرماند رئیس ساواك این شهر همکاری داشت. او و جمخان محمدی که یکی از پی دیگری رئیس تعاونی روستایی فنوج شده بودند، برخورد را از قدرت ساواك، هرچه را که به نام روستاییان و اربری شد، بالا می کشیدند. محمد عمرخان خود اعتراف دارد که يك قلم دو میلیون ریال از پولهای تعاونی را ردید. با انقلاب، زحمتکشان بالاخره توانسته بودند از شر این زالوها رهایی یابند. تعاونی ده را روستاییان خود در دست گرفتند و د و نفر را برای سرپرستی آن برگزیدند. اینک کسه

گذر کرد. اضطراب بر جان سردارها چیره شد، گوش دهقان و جوانان بلوچ تیز شد. چشمان او با فروغی تازه، سرخی گلگون افق را نظاره کرد، لبخندی که در اعصار و قرون از چهره او گریخته بود، عضلات چهره اش را آذین داد، رقص رهایی آغاز شد. پشت خمیده از باران همه ستم، راست شد و پاهای لاغر استواری خود را بازیافت.

وقتی که انقلاب آمد، زمین زیر پای خوانین سست شد، برخی گریختند و برخی یاد لهره ماندند. در دل بلوچ زحمتکش همه آرزوهای سرکوب شده بیدار شد، شوق رهایی از آفت خان و آزان همه ستم، جانش را گرم کرد. همه وجودش از امید لبریز شد.

چندی نگذشت که تردید آغاز شد. خوانین گریزی باز نگشتند و ماندگان استوار شدند. امید بلوچ دیرترنگ باخت. باید درنگ، ستم تاریخی امتداد یافت. دنیا به کام دشمنان مردم شد. رنگ سرخ افق يك باردیگر تیره گسودن گردید. گله های انبوه ملخ یازهم بر حاصیل زحمتکش بلوچ فرو دامدند.

برای مانده آن همه ستمی که در تاریخ بر خلق بلوچ رفته بود، تلخی سرد خیانت تازه افزوده شد. بر چه ارگوشه بلوچستان، راسك و آهوران، بمپو و سراوان، نيك شهرو قصر قد، مهر خیانت خائن حش بسته است. فنوج يك جلوه آن است. بران نظری افکنیم:

#### فنوج، يك چهره از بلوچستان

روستای دور افتاده فنوج در جنوب خاوری میهن مادر عمق سرزمین فلاکت زده بلوچستان قرار دارد. این روستا در حوزه شهرستان ایرانشهر و از توابع بخش داری بمپو می باشد. با آبادیهایی پیرامونش نژاد يك به ده هزار تن جمعیت دارد. بزرگی این روستا به گونه های است که با معیارهای بلوچستان به شهری می ماند اما هیچ چیز آن بایک شهر نمی خواند. مجموعه ای است از آلونك های مخروبه ای که در کنار یکدیگر چیده شده اند و دیگر هیچ.

اگر در فنوج از تاسیسات شهری و امکانات رفاهی مطلقاً نشانی دیده نمی شود، اما واحدهای سرکوب آن را فراموش نکرده اند. حضور دولت از طریق تاسیس واحد بسیج از سوی سپاه پاسداران به نمایش گذاشته شده است. این، همه سهم فنوج از دولت مرکزی است. واحد بسیج راهمین چندی پیش در فنوج مستقر کرده اند. دولتی ها اکنون نیازه آن را از هر زمان دیگری بیشتر احساس می کنند. بسیج "مستضعفین" فنوج را تحت سرپرستی محمد عمرخان محمدی قرار دادند. او از خوانین مزد و رو به نام منطقه است و داماد خان بزرگ منطقه فنوج، بهرام خان شیرانی است.

با سرپرستی این خان بر اصلی ترین ارگان امنیتی منطقه، خوانین بیشتر از همیشه آسود خاطر شده اند. آن عده ای که از ترس انقلاب به خارج گریخته بودند و یاد رستیز با انقلاب، با تفنگ چپ هایشان به کوه زده بودند، يك بمبک



## در حاشیه



## گاهی "خودپیا" هم لوم می دهند

موسوی اردبیلی:  
"..... گاهی خودپیا اشتباه می کنند این حرفهای زنیند، دیشب يك نفر آمده به من می گوید فلان کس، ما شنیدیم لیلای هوید ابرگشته مال او را هم پس دادند. يك زن دیگر را هم گفت. گفتم این کیست؟ گفت این خواننده و یاقفلان کاره است و ..... (جمهوری اسلامی - آبان) يك نماینده مجلس:

"..... ما برای اینکه نشان دهیم امنیت اقتصادی وجود دارد، اموال مصادره ای برخی افراد فاسد فراری را به آنها برگردانده ایم" (جمهوری اسلامی - ۲ آبان)

## تنظیم بودجه در ج.ا.

بانکی سرپرست سازمان برنامه و بودجه "ما تا آنجا که توانستیم، زو زمان رسیده و ذهنیتان اجازه داده، طرحهایی ارایه کردیم که حتی القدر (استقراض و کسرو دجه) کم باشد. ولی برادران این را بدانید که ما در این مورد موفق نبودیم. به هیچ وجه من الوجوه نتوانستیم برای اینکه اقتصاد مایک طراحی کلی می خواهد که در داخل آن بتوانیم بودجه سالیانه را تنظیم کنیم که این بودجه با امکانات ما و فوق بدهد. ما آن سیاستهای کلی را هنوز طراحی نکردیم و در خلا زندگی می کنیم. بالنتیجه وقتی که می خواهیم کسرو دجه مان را صفر کنیم و استقراض مان را کم کنیم، با يك سری عدد درو بر و هستیم و با يك سری کارهایی که تعهد کردیم و باید بکنیم و همایش درگیری و تناقضات مختلف راحل کنیم. این هم نمی شود"

## جنبش ملی خلق کرد... بقیه از صفحه ۳

این درماندگی، در پیش گرفته اند، گسترش پایگاههای نظامی است. منطقه اکون و سیعا میلیتاریزه شده است. بعنوان مثال، سپاه و ارتش، نهاد رخش پوکان ۱۲۵۰ پایگاه نظامی ایجاد کرده اند. اگرچه توان رژیم، برای تمرکز قوای بیشتر در کردستان، یو یژه به دلیل تداوم جنگ با عراق محدود و است، اما به هیچ رو نباید آنرا دست کم گرفت. جمهوری اسلامی به مراتب مصمم تر از گذشته، خاموش ساختن جنبش مقاومت خلق کرد را در دستور کار خود قرار داده است و برای رسیدن به این هدف پلید، با ترکیه نیز به توافق رسیده است. ورو دارتش ترکیه به منطقه کردستان ایران در شهر پیرماه فاکتور جدیدی را وارد کارزار نمود. این فاکتور نیز تحولاتی که در کردستان عراق، پیش آمده است را باید در ارزیابی از وضعیت، با دقت، دخیل ساخت.

## "بول خیلی هم فراوان داریم!"

نماینده ساری در مجلس:  
"در (مازنداران) نقاطی وجود دارد که من شرم می کنم در میان مردم آنجا حاضر شوم. بخاطر آنکه مردم آنجا خواسته هایی برای زنده ماندن دارند نه برای رفاه و آسایش و نه برای خوشگذرانی و ما خواسته های آنها را به هر قاعده منتقل می کنیم گاهی با يك کاغذ ماریه طرف دیگری محول می کنند و سرانجام نیز هیچ نتیجه ای نمی گیریم. بنده در طول این مدت ۶ ماهه به يك مقام مراجعه نکرده ام که حرفش موثر باشد و اثر کند همه به اینجامتوسل می شوند که بودجه نیست و در حالیکه حجت الاسلام فرسجانی اخیرا در مجلس فرمودند که الحمد للمیول خیلی هم فراوان داریم و بودجه فراوانی هم داریم. حال اگر بودجه فراوان داریم چرا روستایی آنطور با بدبختی و بیچارگی زندگی می کنند?" (کیهان - ۵ آبان)

## چه کسانی سرکس می شوند

بانکی سرپرست سازمان برنامه و بودجه:  
"..... خیال نکنید که مالیات را از کسانی که پول دارند و پول درمی آورند گرفته می شود، نه، اتفاقا کسانی که پول ندارند و زیرکند و ولست هستند و مباشران دست و ولست است از اینها مالیات گرفته می شود." (کیهان - اول آبان)

## رکاب زدن تا کربلا

موسوی امام جمعه اهواز در دیدار با اد و چرخه سواران:  
"آن ملت که هنرمندش (منظور ایشان از هنرمند و چرخه سوار است) خود دراد اختیار آرمانهای مقدس انقلاب بگذارد آن ملت زنده است و ..... همانطور که امام امت نیز فرموده اند از قدرتمندان و هنرمندان و افرادی که هنر خود را در اختیار اهداف مقدس انقلاب می گذارند، تجلیل شود و ..... و امیدوارم با آزادی کربلا

موسوی در گزارش خود از اوضاع کردستان تاحدی به تفصیل درباره زمینه های سیاسی تشدید سرکوب خلق کرد سخن گفته است، جوهر حرفهای او در این مورد درست است. غلبه کامل ارتجاع بر حاکمیت، گسترش اختناق و سرکوبی همه نیروهای انقلابی، مواضع اصلی سیاسی تشدید سرکوب خلق کرد را از میان برداشته است. اما روی دیگر این سکه، فراهم آمدن يك زمینه مساعد سیاسی برای خلق کرد در جهت استحکام بخشیدن پیوند خود با جنبش سراسری است. تاکنون هیچگاه زمینه تا این حد برای توضیح آموها و اهداف مبارزات خلق کرد در میان دیگر خلقهای ایران مساعد نبوده است. اکنون این ظرفیت بیش از گذشته وجود دارد که مردم دیگر مناطق ایران، نبرد قهرمانانه خلق کرد را بخشی از نبرد خود دانسته و به یاری آن بپردازند.

## جکامه "بازاریه"

ماهانامه "اقتصاد اسلامی"، ارگان جامعه انجمنهای اسلامی بازار تهران که زبان گویای "تجار محترم" است، در شماره هشتم سال خود "شعر"ی از یک بازاری ادیب (!) به چاپ رسانده که در آن ضمن مدیحه سرایی در وصف بازار حاکمیت می خواهد حال کسودر خدمت کلان سرمایه داران و بازاری قرار گرفته است، جلوی هرگونه نیش زبان نسبت به بازار را بگیرد. این بازاری ادیب در "جکامه" خود از انقلا ب که "سرمایه داران" را "در چشم ملت، همچون هیولایی جازد" با عنوان "استاد دغل" نام می برد. ادیب "رادرزیری آوریم" زدران پیمبر تانکون نیکو زمانی بود

برای کسب و کار مردمان بازاریابی بود به خاطر جمعی مردم، برای ماسرایی بود حریم زهد و تقوی و مکان باصفایی بود اصلت داشت من هم، نه جای حرف و انکار است کنون تیر ما مشاء هدف بر سقف بازار است. .... من کاسب همیشه پشتوان امر حق هستم که سر باز خلو داری، به کار انقلاب هستم به نه خستهای این کشور، من اول سهامدار هستم کنون آماد ما، تا هر چه بازاید، از این دست کنون بازاریان در پشت جبهه سخت در کارند به همتشان تدارک می کنند، از هر چه کد دارند ... چو استاد دغل سنگ محک بر سکه مازد ترانتها پد برفت و مرا از امتحان و ازد مرابان اصلتهای دیرینه به سو دارد سپس در چشم ملت، چون هیولایی مرا جازد ... اگر تو رنج کالا اشتباه بوده، به کاسب چه اگر اجناس را د و لت گران کرده، به کاسب چه تورم بهر استقراض پدید آید، به کاسب چه بگیرد دادگاهی محکمه را به کاسب چه درازان عمو می، کاسبان هم کارشان را راست چرا زیانکاران حساب اهل بازار است

کانونه جمهوری اسلامی... بقیه از صفحه ۵  
عقاید پیشرو و مترقی، شرکت در مبارزه بر علیه رژیم شاه، شرکت در فعالیتهای صنعتی و سیاسی دانشجویی، هواداری از سازمانها و گروههای انقلابی و میهن پرست و عشق و علاقه به توده های زحمتکش تبری جستند، جو از ادامه تحصیل در دانشگاه را دریافت دارند.

از دیدگاه حاکمیت ارتجاع، همه مردم مجرم هستند، مگر که عکس آن ثابت شود. دانشجویان نیز باید در دادگاه تفتیش عقایدی که تحت نام دادگاه و ویژه دانشگاه "ساخته اند بیگناهی خود را ثابت کنند. تا بتوانند به تحصیل ادامه دهند. دکتر فاضل، وزیر جدید فرهنگ و آموزش عالی میگوید: "دانشگاهها و موسسات آموزش عالی کشور موظفند احکام صادره از سوی دادگاه انقلاب اسلامی و ویژه دانشگاه را اجرا نموده و دانشجویان تحلیقی گذشته را در صورت ارایه محکم تیره از دادگاه مزبور" ثبت نام نمایند. ادامه دارد

سرمقاله هفته نامه عصرجدید شماره ۴۳ - اکتبر ۸۴

## اتحاد شوروی و خاور نزدیک

به لحاظ فعالیت‌های دیپلماتیک مسکو، می‌توانیم اکتبر را "ماه عربی" بنامیم. علی‌ناصر محمد، رئیس‌دولت جمهوری دلماتیک توده‌ای یمن، علی‌عبدالله صالح، رئیس‌جمهوری عربی یمن و نیز حافظ اسد، رئیس‌جمهوری سوریه به پایتخت کشورها سفر کردند و با کنستانتین چرنکوف، سائیرسیاستمداران طراز اول شوروی ملاقات نمودند. در این میان، یک کشور عربی دیگر مناسبات خود با اتحاد شوروی را از طریق یک قرارداد دوستی و همکاری، مستحکم نمود. نهم اکتبر در کرملین، چنین قرارداد ی با جمهوری عربی یمن به امضا رسید.

این قرارداد مانند قراردادهای دیگری که در گذشته با کشورهای عربی، از جمله جمهوری دلماتیک توده‌ای یمن و سوریه، بسته شد، در خدمت دوستی میان ملل ما و همکاری برای صلح و امنیت بین‌المللی، به ویژه در خاور نزدیک قرارداد. هیچیک از این اسناد، حتی یک نکته نیز که به منافعی لطیف زده و یا علیه کشور ثالثی باشد، در بر ندارد.

اعراب می‌توانند بادی‌دن نمونه مناسبات دوستانه و برابرحقوق اتحاد شوروی با کشورهای که سران آنها در ماه اکتبر از مسکو بازدید کردند، مطمئن شوند که کشورها به دنبال دستیابی به هیچگونه برتری سیاسی، اقتصادی یا نظامی در خاور نزدیک نیست. هر جا واشنگتن نگران منافع حیاتی برتری طلبانه خود است، مسکو از منافع حیاتی و حقوق واقعی ملل خاور نزدیک دفاع می‌کند.

کنستانتین چرنکوفی ضیافتی به افتخار عبدالله صالح، رئیس‌جمهوری عربی یمن تأیید کرد: "ما جانب اعراب را می‌گیریم زیرا آنها برای یک امریه حق، برای دفاع از استقلال و حاکمیت خود مبارزه می‌کنند."

چه تفاوت عمیقی میان این موضع‌گیری و اتحاد استراتژیک آمریکا - اسرائیل، که علیه اتحاد شوروی، علیه کل اردوگاه سوسیالیست علیه منافق‌خلقه‌های عرب می‌باشد، وجود دارد! خاور نزدیک، سالها، بلکه دهها سال است که کانون خطرناک بحرانها و درگیریهای خونین به شمار می‌رود. علت اصلی این امر، تلاش واشنگتن برای درآوردن این منطقه بزرگ، به زیر نفوذ نو استعماری خود، از یک سو، و مشی تجار و کارانه و ضد عربی صهیونیستهای تل‌آویو، متحد استراتژیک آمریکا، از سوی دیگر است. آنها در راه تحقق اهداف ننگینشان، از به کارگرفتن هیچ حربه‌ای امان ندارند. آمپولهای اضافی دلار که واشنگتن این روزها قول آن را به نخست

وزیر جدید اسرائیل داد، باز هم تنها اهداف پشتیبانی از این توسعه طلبی اسرائیل را دنبال می‌کند.

با توجه به این اوضاع پیچیده، مقابله موثر با نقشه‌های کشورگشایانه اسرائیل و فشار برتری طلبی آمریکا مستلزم عمل مشترک کشورهای عربی و اتحاد مستحکم ملل آنهاست. تفرقه بین پایتخت‌های عربی و در میان تک‌تک گروه‌های جنبش‌رهای بخش‌ملی، تنها به سود نیروهای ضد عربی است.

بیرون آوردن خاور نزدیک از وضعیت دائمی خونریزی و تشنج، این است. هدف پیشنهادهای معروف شوروی درباره خاور نزدیک که ۲۹ ژوئن امسال رایه گشت. این پیشنهادها، عملاً با اصولی که در سپتامبر ۱۹۸۲ از سوی اجلاس سران عرب در فاس (مراکش) تصویب شد، مطابقت دارد. هیچ دسیسه و هیچ قرارداد جداگانه‌ای صلح را برای خاور نزدیک به ارمغان نیاورده و نخواهد آورد.

صلح دائمی و عادلانه در خاور نزدیک تنها می‌تواند از طریق یک راه حل همه جانبه تحقق یابد که برای همه دولت‌ها و ملت‌های این منطقه حق امنیت و موجودیت مستقل را به رسمیت بشناسد. اتحاد شوروی عمیقاً اعتقاد دارد که راه اصلی نیل به این هدف، از تلاش‌های جمعی همه طرف‌های ذینفع و فراخواندن هر چه زودتر یک کنفرانس بین‌المللی درباره مسأله خاور نزدیک با شرکت حتمی سابق بمطابقه طرف متساوی الحقوق، می‌گذرد. امروز، موضع‌گیری در برابر این پیشنهاد، که عملاً از سوی همه دولت‌های عربی مورد استقبال قرار گرفته، نوعی معیار برای تشخیص نیت واقعی حکومتها در رابطه با حل مسأله امتیازحان طولانی خاور نزدیک است.

اتحاد شوروی فعالانه و پیگیرانه در این راستا تلاش می‌کند. ملاقات‌هایی که در ماسکو با در مسکو با دولتمردان نامی عربی انجام گرفت، نشان دیگری از این امر است. بطور بسیار خلاصه، هدف سیاست شوروی در خاور نزدیک در فراخوان کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی درباره شصت و هفتین سالگرد قریب الوقوع انقلاب کبیر اکبر، چنین ترمیم شده است:

"خلقه‌های کشورهای عربی! صفوف خود را در مبارزه علیه تجاوز اسرائیل و زورگویی امپریالیسم فشرده تروانید! مستحکم بباد دوستی شوروی - اعراب!"

بعد از صفحه ۷

## بلوچستان: یک تصویر، یک گزارش

قدیمی منطقه است. اما بسیج این کار را هم خلاف شرع تشخیص داد. گویی ترنم دهل خاطره پرشکوهِ انقلاب را به همراه می‌آورد.

اکنون ده به ده رادر جستجوی دهل روستایان کاوش کرده و دهل‌های یافته شده را می‌شکنند.

دهل زنی یاشستشو در آب قنات، با ضوابط جمهوری اسلامی سازگار نیست و باید منع شود. اما اینکه فوج حمام ندارد، پرشک ندارد، برق ندارد، آب آشامیدنی آن همان آب آلوده نهرهاست، درست منطبق با ضوابط این رژیم است و جایی برای اعتراض باقی نمی‌گذارد. فوج هم مثل همه روستاهای اطراف به کلی فاقد هرگونه امکانات درمانی است. هفته‌ای یک بار شخصی که روستاییان او را دکتر می‌نامند، از دوردست به اینجا می‌آید و ساعاتی را در فوج می‌ماند. همه امکانات پزشکی منطقه وسیع فوج به همین یک نفر منحصر می‌شود.

عطف توجه مسئولین استان به فوج به اعزام نفرت‌بسیج و یا بازگرداندن خوانین محدوده نامانده است. بسیج که بیکار نمی‌ماند، بگروهبند راه می‌اندازد. دستگیرشدگان را باید محاکمه کرد، پس قاضی شرع لازم است. به دنبال کسی که بتواند این منصب را اشغال کند، بالا و پایین منطقه را گشتند، تا بالاخره شخصی را پیدا کردند به نام سید عبدالرحمن قریشی. او علاوه بر اشعار مذهبی، مدیحه‌هایی هم در تجلیل شاه مغور از ریو دو به عنوان مداح رژیم سابق شهرتی به هم زده بود. مردم او را ساواک‌سی می‌نامیدند. برای رژیم جمهوری اسلامی کسی شایسته ترازو پیدا نمی‌شد. او را حاکم شرع فوج کردند و زندانیان و متهمین را در اختیارش قرار دادند.

اما این سید، معتاد و تریاکی است. آمده و نیامده برای تأمین مخارج منقل، رشوه خواری را آغاز کرد. رشوه‌ای که از یک زن فقیر، در ازای رفع اتهام گرفته بود، در منطقه سروصدا به پا کرد. این زن بلوچ را با بهانه‌های اخلاقی تحت پیگرد قرار داده بودند. مردم فوج که از این حاکم شرع رسوایی‌زبان بودند، با استفاده از این فرصت به مقامات ایران شهرشکایت بردند تا شورش او را از سرشان کم نمایند. اما سید، به ترازو مردم زبان مسئولین رژیم جمهوری اسلامی را بلند بود. با پرداخت رشوه پرونده این رشوه‌خواری آشکارا بایگانی کرد. این دردی آبرو، اکنون علاوه بر سست‌پیشین، هفته‌ای یک بار در رادیو و تلویزیون ایران شهر، درس اخلاق و فضیلت می‌دهد.

بگذار سید عبدالرحمن، مفتی و محمد عمر خان، محترم‌ترین باشد، پرازنده اوست، مردم فوج راه خود را می‌روند. اتفاق نمی‌تواند برای همیشه تیره بماند. سرخی سحرگاه پدیدار می‌شود.

## درسوگ مبارز بزرگ راه صلح و دموکراسی ایندیرا گاندی: هر قطره خون من، ملت مرا قویتر خواهد کرد



گاندی در مقام ریاست جنبش غیر متعهد هـا که از مارس ۱۹۸۳ عهده دار آن بود چهره برجسته ای در مبارزه جهانی علیه محافل جنگ افروز و تجاوزکار امپریالیستی، به ویژه در واشنگتن، به شمار می رفت. اواخر ماه مه سال جاری میلادی، ایندیرا گاندی با تفاق پنج تن از رؤسای کشورهای گوناگون از چهار قاره، پیشنهادی در مورد صلح و خلع سلاح جهانی ارائه نمود که هسته اصلی آن، انعقاد فوری سطح تولید و استقرار سلاحهای اتمی است. این پیشنهاد، مورد استقبال اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی قرار گرفت.

از آغاز جنگ خانمانسوز ایران و عراق خانم گاندی چه به عنوان نخست وزیر هند و چه در مقام ریاست جنبش عدم تعهد، کوششهای زیادی به منظور پایان دادن به این درگیری خونین انجام داد. در دو سال اخیر که حکومت جمهوری اسلامی علیرغم منافع ملی مردم ما و بدون احساس مسئولیت در قبال به خطر افتادن صلح و امنیت منطقه، سرخستانه به جنگ با عراق ادامه داده است، خانم گاندی بارها خواهان قطع جنگ، برقراری آتش بس و حل و فصل مسایل قیامیین از طریق مذاکرات گردید. در جریان برگزاری شفقین اجلاس سران غیر متعهد ها در دهلی نـو نیز، بانو گاندی در این مورد اقدام نمود.

اما هر بار، حکام جمهوری اسلامی اینکار صلح رهبر جنبش عدم تعهد را رد کردند. دستگاههای تبلیغاتی حکومت ایران از این نیز فراتر رفته و همگام با رسانه های گروهی امپریالیستی، در کارزار ضد هندی و پراکندن تهمت و افترا علیه خانم گاندی و دولت هند و شرکت جستند.

روابط نزدیک هند با جمهوری دموکراتیک افغانستان، جمهوری سوسیالیستی ویتنام و سایر کشورهای سوسیالیستی و انقلابی، موضعگیری قاطع هند در مبارزه علیه صهیونیسم و نژاد پرستی و مقابله این کشور با مفسده جویهای نظامی امپریالیسم آمریکا و دست نشاندهان آن، نظیر حکام ارتجاعی پاکستان، همگی تا حد زیادی مـر هون وجود شخصیت برجسته صلحدوست و آزادخواهی مانند ایندیرا گاندی در راس دولت هند بود.

طبیعی است که چنین اقدامات و موضع گیریهایی، از سوی امپریالیسم آمریکایی جواب نمی ماند. آمریکا که استقلال و وحدت کشور بزرگ هند، مخاری در چشم آن و مانع عمده ای در راه تحقق نقشه های ماجراجویانه آن در منطقه جنوب آسیا است، از ضیاع الحاق دیکتاتور پاکستان و رژیم او، نه تنها در جنگ اعلان نشد بلکه افغانستان انقلابی، بلکه در انجام تحریکات علیه

صبح روز چهارشنبه نهم آبان، ایندیرا گاندی، نخست وزیر هند و مبارز بزرگ صلح استقلال و دموکراسی، هدف گلوله دشمنان وحدت و استقلال کشورش قرار گرفت و اندکی بعد در بیمارستان درگذشت.

مرگ نابینگام ایندیرا گاندی، دختر جوان هر لعل نهر و نخستین نخست وزیر هند مستقل، بشریت صلحدوست و آزادخواه را در سراسر جهان به سوگ شخصیت بزرگی نشاند که خدمات بزرگ او نه تنها به استقلال و پیشرفت میهن پهنارش، که به تقویت تشنج زدایی و مبارزه در راه خلع سلاح جهانی، به انسجام و یکپارچگی صفوف ولتهای نو استقلال در مقابل امپریالیسم تجاوزکار، تحسین همه جهانیان را برانگیخت.

ایندیرا گاندی در سال ۱۹۱۷ بدنیامد. وی از دوران کودکی و نوجوانی، با مبارزات پدرش علیه استعمار فرتوت بریتانیا و در راه استقلال هند آشنا شد. ایندیرا نیز راه پدرش را برگزید و بر بستر مبارزات استقلال طلبانه و آزادخواهانه مردم هند، از جوانی لعل نهر، عشق به میهن و مردم آن، احترام عقیق به اتحاد شوروی، نخستین دژ سوسیالیسم در جهان و اراده راسخ به مبارزه با امپریالیستها را آموخت.

ایندیرا ناندی پس از آنکه چند سال در کابینه هند عهده دار وزارت اطلاعات بود، در سال ۱۹۶۷ پس از مرگ شستری، جانشین نهر و به نخست وزیری کشورش برگزیده شد. از آن پس، وی به غیر از یک دوره سه ساله از ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۰ ریاست دولت هند را بر عهده داشت.

در دوران نخست وزیری خانم گاندی هند علیرغم مشکلات و تناقضات در عرصه سیاستهای داخلی و اقتصادی، گامهای بزرگی در راه ایجاد شانوده های اقتصاد ملی و مستقل خود برداشت. ایجاد رشته های مهم صنعتی مانند ذوب آهن و ماشین سازی از این جمله است. هند در تمام کوششهای خود به منظور پیشرفت اقتصادی از کمکهای بی دریغ اتحاد شوروی برخوردار گردیده است. میان اتحاد شوروی و هند، قرارداد دوستی و همکاری وجود دارد و همکاریهای اقتصادی و علمی - فنی گسترده ای انجام میگردد. یک مظهر این همکاریها، برنامه مشترک فضایی است که در چارچوب آن، یک فضا نورد هندی در ماهوریت کیهانی یک سفینه شوروی شرکت جست.

در عرصه سیاست خارجی، دولت هند به رهبری ایندیرا گاندی به عنوان عامل مهم ثبات و حفظ صلح در منطقه جنوب آسیا و اقیانوس هند شناخته شد. شخص ایندیرا

استقلال و تعامیت هند نیز استفاده می کند. آخرین نمونه اینگونه توطئه ها، بلوایی بود که توسط افراطیون "سیک" و با حمایت سیای آمریکا، در ایالت پنجاب هند برپا شد. استفاده از احساسات افراطی ناسیونالیستی و اختلافات قومی و مذهبی، همیشه یکی از تجربه های عمده امپریالیسم برای استقرار حاکمیت خود بر خلقهای تحت ستم بوده است. امپریالیسم در این راستا، از نقاط ضعف و ولتهای نو استقلال در برخورد به مساله ملی نیز سود می جوید. اما توطئه ای که اوایل تابستان امسال در "امریتسار" و سایر نقاط ایالت پنجاب به اجرا گذاشته شد، یک دسیسه آشکاره منظوم رضی زدن به انسجام و یکپارچگی هند و تضعیف مواضع ضد امپریالیستی آن بود. دولت خانم گاندی، با این توطئه، قاطعانه به مقابله برخاست و افراطیون را به سرجای خود نشاند.

آنگونه که بعداً، اسناد انکارناپذیر نشان داد، سران توطئه در ارتباط مستقیم با سازمان "سیا" و دولت پاکستان بودند. آنها پس از سرکوب توطئه، به اربابان خود قول دادند انتقام این شکست را خواهند گرفت. و اینک، به خیال خود چنین کرده اند.

اما ایندیرا گاندی کسی نبود که از نظری که جانش را تهدید می کرد، بی خبر باشد. او مرگ در راه حفظ استقلال و وحدت کشورش را افتخاری بزرگ می دانست، و به این افتخار نایل شد. تنها چند روز پیش از مرگش، ایندیرا گاندی در پاسخ این پرسش که آیا نگران جان خود نیست؟ گفت: "هم اینک اگر کشته شوم، هر قطره خون من ملت را قویتر خواهد کرد." و افزود اگر کسی به میهنش خدمت کند، مهم نیست که درست است و یا ایستاده به میرد. ایندیرا گاندی در مصاحبه با رسانه های گروهی آلمان دمکراتیک، یک هفته در روز پیش از مرگش انتشار یافت، اظهار داشت کارزار ضد هندی ای که افراد غیر هندی آن را تشویق می کنند، "اخیراً شدت زیادی یافته است". هر چند خود وی قربانی این کارزار جانیکارانه شد، اما بدون تردید مردم صلح دوست و ترقیخواه هند، راه او را ادامه خواهند داد.

رویدادهای  
جهانپیام رهبری شوروی  
به مناسبت درگذشت ایندیرا گاندی

کستانتین چرنکو، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی طی پیامی به راجیف گاندی، دبیرکل گنگره سراسری حزب گنگره ملی هند، درگذشت بانو ایندیرا گاندی بر اثر سوختن جنايتکارانه را تسليت گفت. در پیام چرنکو آمده است مردم شوروی با غم و اندوه فراوانی خبر درگذشت ناپهنگام بانو ایندیرا گاندی، شخصیت برجسته دولتی و اجتماعی را دریافت کردند. رهبر شوروی افزود بانو ایندیرا گاندی، مبارز پرشور راه صلح بود و کوششهای زیادی برای تأمین تفرقی و پیشرفت هندوستان در همه رشته ها و برای تقویت موقعیت و مواضع این کشور در صحنه جهانی، به عمل آورد. در ادامه پیام کستانتین چرنکو، خاطر نشان گردیده است بانو ایندیرا گاندی، برای تقویت دوستی و توسعه همکاری همه جانبه با اتحاد شوروی اهمیت زیادی قائل بود. دبیرکل حزب کمونیست شوروی افزود در این روزهای ماتم و سوگواری، رهبری شوروی باز هم تعایل دائمی اتحاد شوروی به تقویت مناسبات دوستانه با هندوستان را مورد تأکید قرار می دهد.

همچنین هیئت رئیس شورای عالی و شورای وزیران اتحاد شوروی پیامی خطاب به رئیس جمهور هند فرستاده و در آن متذکر گردیدند مردم شوروی با خشم و انزجار بسر چهره تنه کاران و حامیان نشان داغ ننگ می زنند. در این پیام، مراتب تسلیت و همدردی عمیق با مردم و دولت هندوستان ابراز شده است. نیکلای تیخونوف نخست وزیر اتحاد شوروی در راس هیئتی برای شرکت در مراسم سوگواری برای ایندیرا گاندی، وارد دهلی نو گردید. در مسکو کستانتین چرنکو و سایر رهبران شوروی به سفارت هند رفته و دفتر یادبود برای نخست وزیر فقید این کشور را امضا کردند. روزنامه شوروی پراودا در مقاله ای به مناسبت درگذشت ایندیرا گاندی، نوشته است منافع اساسی ملی هند، همکاری مستحکم با اتحاد شوروی را ایجاب می کند. پراودا می افزاید ایندیرا گاندی، به اتحاد شوروی به مثابه متحد وفاداری در مبارزه برای صلح و ترقی اجتماعی می نگریست.

هندوستان به مناسبت درگذشت بانو ایندیرا گاندی در ماتمی عمیق فرو رفته است. در کشور، عزای عمومی اعلام شده است. قرار است روز سوم نوامبر، مراسم سپردن جنازه برگزار گردد. نمایندگان احزاب و محافل اجتماعی، تنه کاری و حشویه های ارتجاعی را که

تلاش می کنند به وحدت و تمامیت ارضی هندوستان لطمه بزنند، محکوم می کنند در جلسه فوق العاده دولت راجیف گاندی، شخصیت سیاسی و فرزند ایندیرا گاندی به مقام نخست وزیری انتخاب شد. نخست وزیر جدید، طی پیامی به مردم که از رادیو و تلویزیون پخش گردید گفت راه ایندیرا گاندی که آرزوی کرد هندوستان شوروی واحد و صلح جو و شکوفا باشد ادامه دارد و مردم هند باید آن را به انجام برسانند. کابینه در جلسه اول خود به ریاست راجیف گاندی مردم کشور را به حفظ صلح و تأمین همبستگی میان جوامع مذهبی و وحدت ملی دعوت کرد.

صدها هزار نفر از مردم هندوستان که از سراسر کشور و از شهرها و روستاهای دور دست به دهلی نو آمده اند، در صفی چندین کیلومتری به جنازه ایندیرا گاندی که در ساختمانی در دهلی نو نگهداری می شود ادای احترام می کنند. نخست وزیر جدید، تلگرامهای زیادی از سراسر دنیا به حمایت از دولت خود دریافت داشته است.

به گزارش روزنامه "نشال هروازگانهای امنیتی هند امکان ارتباط جنایتکارانی که توطئه سوختن به خانم گاندی را اجرا کردند، با خارج از کشور را متوقف نمی دانند. یکی از عوامل سوختن که در بیمارستان بستری است، اعتراف کرده است که در توطئه سوختن به خانم گاندی، افراد زیادی شرکت داشته اند.

## اجلاس شورای همیاری اقتصادی

اجلاس شورای همیاری اقتصادی در سطح رؤسای دولتها در هاوانا پایتخت کوبا پایان یافت. ده کشور سوسیالیستی اروپا، آسیا و آمریکا عضو این سازمان هستند. در این گرد همائی، مسئله تالیف برنامه های پیشرفت اقتصاد ملی کشورهای برادر در دوره از سال ۱۹۸۶ تا سال ۱۹۹۰ مورد بررسی قرار گرفت. تدوین برنامه جامع پیشرفت علمی و فنی کشورهای عضو شوروی برای مدت ۱۵ الی ۲۰ سال آغاز گردید و همچنین توافقی در باره ساختمان مشترک واحدهای بزرگ اقتصادی حاصل شد. قرار است اجلاس آینده شورای همیاری اقتصادی سال آینده در ورشو برپا گردد.

فیدل کاسترو رهبر کوبا و نیکلای تیخونوف نخست وزیر شوروی که در رأس هیأت نمایندگی شوروی در اجلاس شورای همیاری اقتصادی شرکت داشت، در هاوانا دیدار و گفتگو کرده و برنامه دراز مدت گسترش همکاری اقتصادی، علمی و فنی شوروی و کوبا تا سال ۲۰۰۰ را امضا نمودند.

پلنوم کمیته مرکزی  
حزب متحد کارگران لهستان

پلنوم کمیته مرکزی حزب متحد کارگران لهستان در ورشو برگزار شد. ویسلی یاروزلسکی،

دبیر اول حزب در این اجلاس گفت نه یورش آشکار و نه حملات ناچوانمردانه و استتار شده، در این واقعیت که در لهستان، کف ترازو به سود نیروهای سوسیالیستی سنگینی می کند، تغییری نمی دهد. وی افزود امسال برای نخستین بار در لهستان تولید اقتصادی از حد و تعیین شده در برنامه فراتر خواهد رفت.

رهبر لهستان گفت از وزن نیروهای ضد سوسیالیستی کاسته شده، اما نفوذ آنان همچنان خطرناک است. یاروزلسکی در مورد ربودن و قتل کشیش "پوپلوشکو" که اخیراً صورت گرفت، اظهار داشت: آنها (دشمنان سوسیالیسم) از هر موقعیتی استفاده می کنند. اینک آنها به یک مفسده جویی متوسل شده اند که مردم را شديداً تکان داده است. مادر این مورد موضوع صافانه و روشنی گرفتاریم. و افزود: ضد انقلابیون با استفاده از زخمه و سایل می کوشند "افراد ساده دل را تحريك و تحميق کنند."

## انتخابات در نیکاراگوئه

در ماناگو پایتخت نیکاراگوئه راهپیمائی چندین هزار نفری به پشتیبانی از نامزدهای جبهه آزاد بیخشم ملی ساندینیست در انتخاباتی که قرار است روز یکشنبه چهارم نوامبر برگزار شود برپا گردید.

برگزاری این انتخابات از یک سال پیش با مقاومت محافل ارتجاعی در داخل و خارج از نیکاراگوئه که تحت حمایت امپریالیسم آمریکا قرار دارند، روبرو بوده است. اتحادیه کارفرمایان نیکاراگوئه و احزاب دست راستی این کشور، انتخابات را تحریم کرده اند. احزاب آزاد بیخشم ملی ساندینیست، حزب سوسیالیست (پیرو سوسیالیسم علمی)، حزب کمونیست نیکاراگوئه که با مواضع چپ روانه از حزب سوسیالیست انشعاب نمود، جنبش اقدام



یک زن نیکاراگوئه ای در حال نصب پوستر انتخاباتی است.

مردمی که هنگام تاسیس آن در سال ۱۹۷۲ پیرو مواضع مائوئیستی بوده، حزب سوسیال مسیحی مردم که بعنوان جناح چپ سوسیال مسیحی از آن جدا شد، حزب مستقل لیبرال که در سال ۱۹۴۴ از حزب لیبرال سوموزا انشعاب کرد و حزب دمکرات محافظه کار که در سال ۱۹۵۶ از درون حزب محافظه کار پشتیبان سوموزا را تشکیل گردید.



## دلایل! اخراج

در کارخانه ایران لنت، مدیریت تصمیم به اخراج یکی از کارگران گرفته بود. در اعتراض به این تصمیم، در تاریخ ۱۳ مرداد، حدود ۱۵۰ کارگر این کارخانه در ناهارخوری اجتماع کردند. به نمایندگی از طرف مدیریت، اعضای انجمن اسلامی کارخانه در اجتماع کارگران حاضر شده و از این تصمیم دفاع می کنند. انجمن اسلامی کارخانه که چشم‌پوش مدیریت است، در عین حال عنوان شورای کارکنان را هم یدک می کشد. در این جلسه نماینده انجمن، پس از موعظه‌هایی در ساراه ضرورت افزایش تولید و نظم و انضباط در محیط کار اعلام داشت که پیش از تصمیم به اخراج، پرونده و سوابق این کارگر به وقت بررسی گردید و معلوم شد که او در سال ۵۵ يك بار در ساعت کار خوابیده بود. در سال ۵۸ هم در کارخانه دعوا کرده انداخته بود. پس تصمیم به اخراج کاملاً درست بود و جای برای اعتراض نیست. کارگران این "دلایل" مبتذل را رد کرده و با قاطعیت از این کارگری پشتیبانی نمودند. کارگران خشم خود را با تکرار شعار "حیدر-حیدر" بیان می کردند. در برابر قاطعیت کارگران، هیأت مدیره و انجمن اسلامی عقب نشینی کرده و تصمیم اخراج، معلق می ماند.

## چگونه دیوار توهم فرو می ریزد

در کارخانه جواهریان، از بدتها قبل میان کارگران و کارفرما درگیری وجود داشت. کارگران در برابر جفا قات کارفرما سر تسلیم فرود نمی آوردند و مقاومت می کردند. آقای جواهریان، صاحب کارخانه، برای درهم شکستن مقاومت کارگران چند ماه قبل، پنج تن از آنها را از کارخانه اخراج نمود. اخراج شدگان از جمله قلیل کارگرانی بودند که هنوز نسبت به حکومت متوهم بوده و از آن پشتیبانی می کردند. یکی از آنها چندی قبل از اخراج، از حضور و طلبانه در جبهه‌های جنگ بازگشته بود و یکی دیگر از این پنج نفر، عضو هیأت حل اختلاف (مورد تأیید وزارت کار) بود. اخراج شدگان با توجه به توهمی که نسبت به ارگانهای حکومتی داشتند، گمان می کردند مراجعه به این ارگانها برای کسب حقوق پایمال شده کافی خواهد بود. از این رو با امیدواری به هیأت حل اختلاف منطقه، ادارات کار، بخش کارگری نخست ویری، خانه کارگری و... شکایت کردند اما در کمال ناپاوری مشاهده نمودند هیچیک از آنها حتی جرات ندارند کلامی بر علیه

کارفرما سخن بگویند. حتی هیأت حل اختلافی که یکی از کارگران اخراجی عضو آن بود نتوانست به زبان کارفرما را دهد. در خانه کارگری می از مسئولین آنجا خطاب به کارگران اخراجی بسا پر خاش می گوید شما اخلاک و کم کار بودید. پس از اینکه روشن شد که شکایت به ارگانهای دولتی نتیجه ندارد، این پنج نفر تصمیم گرفتند برای جلب رضایت کارفرما با او گفتگو کنند. به همین منظور به منزل او در شمال شهر مراجعه کردند. پس کارفرما در همان بیرون منزل با اهانت آنها را می راند. در برابر اصرار کارگران برای ملاقات و گفتگو پسر جواهریان، با تلفن نفرت کمیت را خبر می کند. افراد کمیت بلافاصله به محل آمده و کارگران را دستگیر و با خود به کمیت بردند. رئیس کمیت به محض ورود به کارگران، شدیداً آنان را مورد فحاشی قرار داد و در همان محل کمیت زندانی نمود. کارگران با مشکلات بسیار موقف شدند که پس از چند ساعت از بازداشتگاه کمیت رهایی یابند.

پس از این رخداد، دیوار توهم نسبت به اهداف حکومت در برابرشان فرو می ریزد و این کارگران نیز درمی یابند که رژیم جمهوری اسلامی نو کسر مایه داران است و اینکه بر نیروی متحد کارگران می توان به مطالبات حق خود دست یافت. کارگران این کارخانه با مضاطو ماری از اخراج شدگان حمایت کردند. این طومار را سید کارگر یعنی تقریباً همه کارگران کارخانه امضا کردند.

## خان بزرگ و دادگاه انقلاب

عزت الله خان بیات، فتو دال بزرگ شهرستان اراک می باشد. او که پس از انقلاب از ایران خارج شده بود، پس از قضاة قدرت حکومت توسط مرتجعین، به کشور بازگشت. این فتو دال، در همان بدو و رود کاخ بزرگ خود در در رستم آباد تهران (که پس از انقلاب مصادره شده بود) پس گرفت. این کاخ که به "گلزار بیات" شهرت دارد، در باغی به وسعت ده هزار متر مربع بنا شده است.

روستای سعید آباد اراک از جمله املاک سابق اوست. زمینهای این روستا نیز پس از انقلاب توسط دهقانان مصادره شده بود. دادگاه انقلاب اراک، در ازاء تأیید این مصادره دهقانان را به پرداخت سالانه ۳۶ هزار تومان بابت اجاره را در ساخته بود. عزت الله خان اخیراً از دادگاه انقلاب اراک خواست تا ترتیبی برای تحویل روستای سعید آباد را به مباشرین او بدهد. برای انجام این کار نماینده "دادگاه انقلاب" اراک، در تهران به حضور خان رسید و به او گفت: ملک سعید آباد مال شماست و توسط ما مصادره نشده بود. در غیاب شما آنرا برای آنان نگهداری کرده ایم و اجاره سالانه ۳۶ هزار تومان را جمع آوری کرده و تقدیم خواهیم نمود.

کودکان را از مدرسه می رانند  
تاتنور جنگ شعله ور بماند

در شهر ریابل با شروع سال تحصیلی جدید والدین کودکان ۶ ساله مشاهده نمودند که به خلاف گذشته، مدیران مدارس از پذیرش کودکان برای حضور در کلاسهای آمادگی سر باز می زنند. با توجه به اینکه در تابستان برای این کودکان ثبت نام صورت گرفته بود، این اقدام غافلگیر کننده بوده و با اعتراض تند والدین مواجهه گردید. در پاسخ به اعتراض آنان، گفته شد که این تصمیم مطابق بخشناه و زارت آموزش و پرورش و بخاطر کسری بودجه صورت گرفته است. گروهی از والدین اطفال، در اعتراض به این تصمیم خود سرانه به طرف اداره آموزش و پرورش حرکت کردند و در آنجا خواهان مذاکره با رئیس این اداره شدند. طبق معمول قبل از هر کس نفرت سپاه پاسداران وارد شده و کوشیدند خانواده های معترض را پراکنده نمایند. اما آنان با ایستادگی، رئیس اداره آموزش و پرورش را وادار به مذاکره نمودند. در برابر اعتراض تند و مستدل اجتماع کنندگان، به آنان قول داده شد که پس از بررسی امردر آن تجدید نظر صورت خواهد گرفت. با پراکنده شدن معترضین پس از چندی پاسخ داده شد که با دایر شدن کلاسهای آمادگی موافقت می شود به شرطی که همه هزینه های آن را اولیا، کودکان بپردازند. به این ترتیب کودکانی را که با انهمه شو رواشتیاق روانه مدرسه شده بودند در کوه هاسرگردان رها کردند، تا به دجه برای جنگ تا مین شود.

## هزینه جاب این شماره "اکثريت" را

رفقای فدایی در هندوستان

## تأمین کردند

AKSARIYAT  
NO 31

MONDAY NOV. 5, 84

## Address

POSTFACH 23007  
6500 MAINZ 23  
W. GERMANY

آلمان فدرال

P.O. BOX 101  
LONDON N17 8YU  
ENGLAND

انگلستان

P.O. BOX 88158  
LOS ANGELES, CA 90088  
USA

ایالات متحده

C.P. 3125  
00122 OSTIA LIDO (ROMA)  
ITALY

ایتالیا

P.O. BOX NO 3018  
NEW DELHI - 110003  
INDIA

هندوستان

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا!